



استیکلیتز: کرونا می خواهد محوریت «دولت–ملت»ها را به یاد مایاورد

جوزف استیکلیتز اقتصاددان معاصر امریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ بحران کرونا را نشان دهنده ضعف‌های نظام جهان‌سازی اقتصادی می‌داند. او معتقد است جهانی‌سازی اقتصادی از جهانی‌سازی سیاسی بسیار عقب مانده است و باید با توجه به این واقعیت در جهان پساکرونا به بازسازی نظام اقتصادی جهان بپردازیم.

تا پیش از این اقتصاددانان، کشورهایی را که سیاست‌های امنیت غذایی و انرژی در پیش می‌گرفتند مسخره می‌کردند چراکه معتقد بودند در دنیای جهانی شده که مرزها کم‌رنگ شده‌اند، اگر اتفاقی برای کشوری رخ دهد می‌تواند به کشورهای دیگر متوسل شود اما اکنون و با شیوع ویروس کرونا، به طور ناگهانی مرزها مهم شده‌اند و کشورها را می‌بینیم که به شدت از ماسک و تجهیزات پزشکی‌ای که در اختیار دارند مراقبت و حتی برای تهیه منابع بیشتر مبارزه می‌کنند. در واقع کرونا می‌خواهد قویا به یاد ما بیاورد که واحد اساسی سیاست و اقتصاد هنوز هم «دولت–ملت»ها هستند.

ما سال‌ها در سراسر جهان برای ساختن زنجیره‌های تأمین به ظاهر کارآمد، به دنبال ارزان‌ترین تولیدکننده هر پیوند در زنجیره بودیم اما در واقعیت با کوته‌بینی سیستمی را شکل داده‌ایم که اکنون با یک اختلال غیرمنتظره خرد شدو به‌وضوح نشان داد که در برابر وقف‌ها مقاوم، انعطاف‌پذیر و به اندازه کافی متنوع نیست و فقط شاید در زمان تولید و توزیع بتواند مشکلات کوچک را در خود جذب کند. ما باید از بحران مالی سال ۲۰۰۸ درس انعطاف‌پذیری می‌آموختیم اما سیستم مالی‌ای به‌هم پیوسته ایجاد کردیم که به نظر می‌رسید کارآمد و در جذب شوک‌های کوچک موفق است اما دیدیم که شکننده بود.

اما حال‌در جهان پساکرونا باید با حساسیت بیشتر به این حقیقت که جهانی‌سازی اقتصادی از جهان‌سازی سیاسی عقب مانده است به فکر سیستم اقتصادی‌ای بلندنظرانه‌تر و انعطاف‌پذیرتر باشیم. تا زمانی که شرایط بدین نحو است، کشورها باید تلاش کنند تعادل بهتری بین استفاده از جهانی‌سازی و اتکا به درون برقرار کنند.



مه‌یونایی: کرونا جهانی‌سازی با محوریت چین را سرعت داد

کی‌شور مه‌یونایی، دیپلمات و محقق سنگاپوری و نویسنده کتاب «آیا چین برنده شده است؟» در یادداشت خود کرونا را موجب تسریع در تحولاتی که در جهان آغاز شده بود می‌داند. او ادعا می‌کند مردم امریکا عکس مردم چین ا‌ایمان خود به جهانی‌سازی را از دست داده‌اند.

کووید ۱۹ موجب خواهد شد تحولاتی که پیش از این در جهان آغاز شده بود سرعت گیرد و از با سرعت بیشتری از جهانی‌سازی با محوریت ایالات متحده دور شده و به جهانی‌سازی با محوریت چین نزدیک شویم. چرا این روند ادامه خواهد یافت؟ چون جمعیت امریکا ایمان به جهانی‌سازی و تجارت بین‌المللی را از دست داده‌اند و حالا موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد یا بدون امضای رئیس‌جمهور امریکا سیم است. در ست بر عکس امریکایی‌ها، چینی‌ها به دلایل تجربه تاریخی‌ای که از قرن تحقیر چین دارند، ایمان خود را به جهانی‌سازی از دست ندادند و رهبران چینی اکنون به خوبی می‌دانند که تحقیر چین در طول سال‌های ۱۸۴۲ تا ۱۹۴۹ نتیجه خودمختاری و تلاش بیپرده جهانی بود. همچنین مردم چین انفجار اعتماد فرهنگی را تجربه کرده‌اند و بر این باورند که می‌توانند در هر مکانی رقابت کنند.
باین توضیحات، همان‌طور که در کتاب جدیدم «یا چین برنده شد؟» آورده‌ام اکنون دو گزینه پیش روی امریکاست. اگر هدف اصلی امریکا همچنان حفظ تقدم چین است، راهی ندارد که تن به یک رقابت ژئوپلیتیکی سیاسی اقتصادی مجموع–صفر (بازی‌ای که سود یا زیان یک شرکت‌کننده، دقیقاً متعادل با زیان‌های یا سودهای شرکت‌کننده(های) دیگر است) با چین دهد و اگر هدف ایالات متحده بهبود رفاه مردم امریکاست باید با چین همکاری کند که این روشی علاقه‌اتر است هرچند با توجه به فضای سیاسی سمی ایالات متحده نسبت به چین، احتمالاً مشاوران عاقل پیروز نخواهند شد.

◄ تنظیم و ترجمه

محمدصادق عبدالملی

نگاهی به نظریات اندیشمندان سیاسی و اقتصادی جهان درباره وضعیت جهانی‌سازی در جهان پساکرونا

آنچه را فکر می‌کردیم می‌دانیم به شدت آشفته شده است!



تنور پیش‌بینی جهان پساکرونا همچنان داغ است. در همان حال که پژوهشگران و تیم‌های بهداشتی مشغول عقب‌راندن بلای کرونا از جان بشر هستند، اندیشمندان مختلفی از گوشه و کنار جهان از زوایای مختلف فرضیاتی را می‌یابند تا جهان پساکرونا را معماری کنند. گروهی کرونا را میخی بر تابوت نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی می‌دانند و گروهی دیگر

جوزف نای: پوپولیسم می‌تواند امریکای پساکرونا را بر باد دهد

جوزف نای، استاد دانشگاه هاروارد و نظریه‌پرداز علوم سیاسی که بیشتر با مفهوم «قدرت نرم» شناخته شده است، در تازه‌ترین یادداشت خود برای فارین پالیسی از تغییرات ژئوپلیتیکی جهان پساکرونا نوشته است. او که گویسی به مقاله هنری کیسینجر پاسخ می‌دهد، معتقد است به رغم همه اتفاقات آن‌طور که کیسینجر پیشگویی کرده کرونا نقطه عطفی برای جهان نخواهد شد؛ البته او که همیشه منتقد سفت و سخت ترامپ بوده و حتی در تور سردار سلیمانی او را به بی‌شعوری متهم کرده، این بار نیز پیشگویی خود را تا زمانی صادق می‌داند که پوپولیسم که اشاره به ترامپ است، کارتهای ارزشمند اتحاد، نهادهای بین‌المللی و باز بودن امریکا را بر باد ندهد. متن یادداشت جوزف نای که به همت سایت «انتخاب» ترجمه شده بدین مضمون است:

همه‌گیری کرونا ویروس چه تغییر شکل ژئوپلیتیکی ایجاد می‌کند؟ بسیاری از مفسران پیش‌بینی می‌کنند کرونا ویروس باعث پایان دوره جهانی شدن می‌شود که از سال ۱۹۴۵ تحت رهبری امریکا شکل گرفته است. بعضی‌ها بحران کرونا را نقطه‌عطفی می‌بینند که به واسطه آن چین از امریکا به عنوان یک قدرت جهانی پیشی خواهد گرفت. مطمئناً تغییراتی رخ داده‌اند، اما باید در مطرح ساختن این فرض که علل بزرگ دارای تأثیرات بزرگی هستند، احتیاط کرد. به عنوان مثال، همه‌گیری آنفلوآنزای ۱۹۱۹–۱۹۱۸ بیش از جنگ جهانی اول رخ داد اما تغییرات پایدار جهانی که در طول دو دهه آینده آن به وقوع پیوست به واسطه جنگ بود نه بیماری.

جهانی‌سازی یا اوستگی متقابل در سراسر قاره‌ها نتیجه تغییر در فناوری حمل‌ونقل و ارتباطات است و بعید به‌نظر می‌رسد اینها به خاطر شیوع کرونا متوقف شوند. برخی از جنبه‌های جهانی‌سازی اقتصادی مانند تجارت محدود خواهد شد اما جریان مالی کمتر از آن متأثر می‌شود. در حالی که جهانی‌سازی اقتصادی تحت تأثیر قوانین دولت‌هاست، جنبه‌های دیگر جهانی‌سازی مانند تغییرات آب و هوایی بیشتر توسط قوانین زیست‌شناسی و فیزیک تعیین می‌شود.

۲. شوک قرن ۲۱

این قرن در دو دهه گذشته شاهد سه بحران بوده است. در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر تعداد زیادی کشته نشدند اما به دلیل شوک و وحشتی که ایجاد کرد، تأثیرات عمیقی داشت. سیاست‌ خارجی امریکا بعد از این اتفاق مسیری را طی کرد که باعث جنگ‌های طولانی در افغانستان و عراق شد. شوک دوم، بحران مالی سال ۲۰۰۸ بود که با کودی بزرگ روبه‌رو شد؛ این اتفاق خود به خود موجب رشد عوام‌گرایی در دموکراسی‌های غربی شد و جنبش‌های خود‌کامه را در بسیاری از کشورها تقویت کرد. بسته تحریک سریع و گسترده اقتصادی چین در تضاد با واکنش دیر هنگام غرب باعث شد بسیاری پیش‌بینی کنند چین در مسیر رسیدن به رهبر اقتصادی جهان است. پاسخ‌های اولیه به بحران سوم قرن و همه‌گیر شدن کرونا

اندیششه

◄ تنظیم و ترجمه

محمدصادق عبدالملی

نگاهی به نظریات اندیشمندان سیاسی و اقتصادی جهان درباره وضعیت جهانی‌سازی در جهان پساکرونا

آنچه را فکر می‌کردیم می‌دانیم به شدت آشفته شده است!



هر چند دلواپس نهادهای دموکراتیک هستند اما لیبرال دموکراسی را قدرتر از آن می‌دانند که با این یادها بلرزد و در پی یافتن راه‌هایی برای بازسازی و بهبود جهانی‌سازی و نهادهای دموکراتیک هستند. در آنچه پیش‌رو دارید سه روی اندیشه «جوان» تلاش کرده است پازلی از نظریات مختلف اندیشمندان جهان را تقدیم کند که امید است مورد پسند واقع شود.

■ مزیت‌های ژئوپلیتیکی امریکا

علاوه بر این، امریکا دارای مزایای ژئوپلیتیکی است که به‌رغم همه‌گیری‌ها همچنان ادامه خواهد داشت. اولین مزیت این کشور در موقعیت جغرافیای آن است. امریکا با اقیانوس‌ها و همسایگانی احاطه شده که همه دوستانش هستند، در حالی که چین با پرویشی، هند، اندونزی، ژاپن، مالتزی، فیلیپین، تایوان و ویتنام اختلافات ارضی دارد.

مزیت دوم، بحث انرژی است. انقلاب نفت و گاز شیل باعث تغییر موقعیت امریکا از واردکننده انرژی به صادرکننده خالص آن شده است. از سوی دیگر، چین به واردات انرژی که از خلیج فارس و اقیانوس هند عبور می‌کند، وابسته است. در کنار اینها امریکا نسبت به چین برتری در پیای دارد.

■ مزایای جمعیت‌شناختی امریکا

امریکا همچنین از مزایای جمعیت‌شناختی برخوردار است. طبق تحقیقات آدل هایوتین از دانشگاه استنفورد، طی یک دهه و نیم آینده، نیروی کار امریکا به احتمال زیاد درصد رشد خواهد کرد در حالی که رشد چین به ۹٫۰۶ درصد کاهش می‌یابد. جمعیت سن‌کامر چین در سال ۲۰۱۵ به اوج خود رسید و هند بزودی چین را به عنوان بر جمعیت‌ترین کشور جهان پشت سر می‌گذارد. قدرت امریکا ناشی از جایگاه آن در خط مقدم توسعه فناوری‌های کلیدی از جمله بیوتکنولوژی، فناوری نانو و اطلاعات است. امریکا و سایر دانشگاه‌های تحقیقاتی غربی با آموزش عالی تسلط دارند.

■ ضربه کرونا به قدرت نرم چین

ناسازگاری در پاسخ به این بحران موجب آسیب به قدرت نرم چین شده است. چین به دلایل سیاسی به بسیاری از کشورهای کمک کرده است؛ در عین حال که از ابتدا آمار را دستکاری می‌کرد. یکن همچنین با تبلیغات گسترده به دنبال تبلیغ این روایت است که در مهار بیماری بسیار موفق بوده است. بسیاری اما نسبت به این تبلیغات چین و به‌طور کلی، قدرت نرم آن با دیده شک و تردید نگاه می‌کنند، دلیل آن هم واضح است؛ چراکه قدرت نرم باید دارای جذابیت باشد.

در قدرت نرم، چین از موقعیت ضعیفی برخوردار است. به‌رغم تلاش‌های بسیاری که از زمان رئیس‌جمهور سابق هو جینتاو با هدف افزایش قدرت نرم این کشور در هفدهمین کنگره ملی در سال ۲۰۰۷ آغاز شد اما یکن با تشدید اختلافات ارضی با کشورهای همسایه و اصرار بر کنترل سر کوپرانه، خود به خود مانع‌هایی را بر سر راه خودش ایجاد کرده است. جای تعجب نیست که نظرسنجی‌ها و رتبه‌بندی‌های افکار عمومی جهانی در زمینه قدرت نرم، چین را در رده پایین قرار داده است. ۲۰ کشور برترین فهرست دارای نظام‌های لیبرال دموکراسی هستند.

■ توازن چین و امریکا به‌هم نمی‌خورد

در قدرت سخت نیز توازن موجود به‌ضرر امریکا با این همه‌گیری تغییر نخواهد کرد. هر دو اقتصاد امریکا و چین مانند کشورهای متحده اروپایی و آسیای شرقی امریکا بسیار از این بحران ضربه خورده‌اند. قبل از بحران، اقتصاد چین به اندازه دو سوم امریکا رشد کرده بود اما چین با کند شدن نرخ رشد و کاهش صادرات وارد بحران شد. یکن همچنین سرمایه‌گذاری زیادی در قدرت نظامی انجام داده، اما هنوز از امریکا عقب‌تر است و ممکن است سرمایه‌گذاری‌های نظامی خود را در شرایط نامساعد بودجه‌ای کند کند. از جمله موارد دیگری که این بحران را در معرض دید پیش‌بینی یک نقطه عطف ژئوپلیتیکی که اساساً روابط قدرت بین امریکا و چین را تغییر دهد، خیلی زود است.



رابرت شیلر: ناگهان دنیا کوچک‌تر و صمیمی‌تر به نظر می‌رسد

رابرت شیلر، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۳، اما درست در نقطه مقابل استیکلیتز، درگیری کشورهای غربی بر سر ماسک و دستکش و زدن محموله‌های بهداشتی را ناده‌ده گرفته و آرزوی می‌کند جهان پساکرونا جهانی به مراتب صمیمی‌تر و عادلانه‌تر باشد که مردم کشورهای ثروتمند بیش از پیش مردم کشورهای فقیر را درک کنند.

کرونا از آن دسته تغییرات اساسی است که غالباً در زمان جنگ اتفاق می‌افتد با این تفاوت که اکنون دشمن به جای یک قدرت خارجی، یک ویروس است. در واقع ویروس کووید ۱۹ جوی جنگی ایجاد کرده که تغییرات ناگهانی در آن امکان‌پذیر است. جویی که کرونا ایجاد کرده هر چند با درد و رنج بیماری در حال شیوع است اما فراتر از دوران جنگ مردم را نه تنها در سطح یک کشور بلکه در بین کشورهای مختلف، در مقابل یک دشمن مشترک متحد می‌کند و این تجربه مشترک جهانی باعث می‌شود کسانی که در کشورهای پیشرفته زندگی می‌کنند بیشتر از گذشته با کسانی که رنج زندگی در کشورهای فقیر را می‌چشند، احساس همدردی کنند و این‌گونه است که ناگهان دنیا کوچک‌تر و صمیمی‌تر به نظر می‌رسد.

علاقه است اگر آرزو کنیم که کووید ۱۹ بتواند در بچه‌های برای ایجاد راه‌ها و نهادهای جدید برای مقابله با رنج‌های بشر بگشاید تا روند کنونی جهان را که به سمت نابرابری بیشتر می‌رود، متوقف سازد. اکنون پرداخت‌های اضطراری که کشورهای مختلف به افراد آسیب‌دیده لحاظ می‌کنند می‌تواند مسیری برای یک در آمد عمومی جهانی باشد. بحران کرونا همچنین ممکن است انگیزه‌ای تازه برای گسترش بیمه درمانی بهتر و همگانی در ایالات متحده باشد. به همین طریق از آنجا که همه مردم جهان در برابر کرونا در یک جبهه قرار دارند این دشمن مشترک می‌تواند انگیزه‌ای برای ایجاد مؤسسات بین‌المللی جدید فراهم سازد و موجب شود در جهان پساکرونا نیز این نهادهای پارچ‌هاجمند.



کارمن رابنارت: کرونا، یک میخ دیگر بر تابوت جهانی شدن زد

کارمن رابنارت، اقتصاددان و عضو پژوهشی دفتر ملی پژوهش‌های اقتصادی در امریکا، معتقد است ویروس کرونا اولین آسیب جدی جهانی‌سازی در دوره مدرن است که آسیب‌های پایدار و گسترده‌ای بر تجارت و امور مالی بین‌المللی خواهد گذاشت.

جنگ جهانی اول و رکود اقتصادی جهانی در اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی آغاز دوره پیشین سقوط جهانی شدن بود. به‌وجود آمدن موانع تجاری و کنترل سرمایه و درگیری بیش از ۴۰ درصد از کل جهان در جنگ موجب شد بسیاری از کشورها وابستگی خود را تا دهه ۱۹۵۰ و حتی بعدتر از آن از بازارهای سرمایه جهانی قطع کنند. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، سیستم جدید برتون وودز (یک نظام پولی کاملاً مشورتی که روابط پولی میان دولت–ملت‌های مستقل امریکا، کانادا، اروپا، استرالیا، و ژاپن را کنترل می‌کرد) سرکوب‌های مالی (Financial repression) داخلی را با کنترل‌های گسترده جریان سرمایه به درم آمیخت تا سیستمی با شباهت اندک به دوران پیشین تجارت جهانی ابداع کند.

دوران مدرن جهانی‌سازی از زمان بحران مالی ۲۰۰۸–۲۰۰۹ با ضربات متعددی همچون بحران بدهی اروپا، برگزیت و جنگ تجاری ایالات متحده و چین مواجه شده و حتی ظهور پوپولیسم در بسیاری از کشورها موجب شد تا تعصب نسبت به خانه افزایش یابد. اما ویروس کرونا اولین بحران بعد از دهه ۱۹۳۰ است که هم اقتصادهای پیشرفته و هم اقتصادهای در حال توسعه را درگیر خود کرده. در اثر اپیدمی کرونا احتمالاً رکود اقتصادی این کشورها عمیق و طولانی خواهد بود و مانند دهه ۱۹۳۰ پیش‌فرض‌های دولتی (sovereign defaults) میخکوب شوند.

همچنین امکان دارد تردیدها در مورد زنجیره‌های تأمین (supply chains) جهان قبل از کرونا، ایمنی سفرهای بین‌المللی و در سطح ملی، نگرانی از خودکفایی در ضروریات و تاب‌آوری، حتی پس از کنترل همه‌گیر این بیماری (که خود ممکن است طولانی‌مدت باشد) ادامه یابد. هر چند ممکن است معماری مالی پساکرونا ما را به دوران پیش از گلوبالیزاسیون بر تون وودز بازگرداند اما آسیب‌های تجارت و امور مالی بین‌المللی به احتمال زیاد گسترده و پایدار خواهد بود.



آدم تومز: اقتصاد عادی دیگر هرگز باز نخواهد گشت

آدم تومز، مورخ بریتانیایی و پژوهشگر اقتصادی که بیشتر او را با مطالعه اقتصادی ارایش سوم می‌شناسند به تلاش‌های بانک‌های مرکزی در مهار خسارت‌های بحران کرونا خوش‌بین نیست و خواستار یک دولت فعال‌تر و بیناتر برای روبروی برن‌رفت از بحران است.

بسیاری از کشورها نسبت به آنچه قبلاً تجربه کرده بودند با شوک اقتصادی بسیار عمیق‌تر و وحشی‌تر روبه‌رو شده‌اند. هر چند ممکن است در بخش‌هایی مانند خریدفروشی که در حال حاضر تحت فشار شدید رقابت آنلاین قرار دارند، قفل اقتصاد به‌صورت موقت باز شده باشد. اما هنوز بسیاری از فروشگاه‌های بزرگ بازگشایی نشده‌اند و نخواهند شد و حتی امکان دارد شغل آنها به‌طور دائم از بین برود که به تبع میلیون‌ها کارگر، صاحبان مشاغل کوچک و خانواده‌های آنها با فاجعه روبه‌رو خواهند شد و هر چه مانده‌کاری ویروس بیشتر شود، زخم‌های اقتصادی عمیق‌تر و روند بهبودی کندتر خواهد شد. در اعلام می‌کند آنچه فکر می‌کردیم از اقتصاد و امور مالی می‌دانیم به شدت آشفته شده است. از زمان شوک بحران مالی سال ۲۰۰۸، صحبت‌های زیادی درباره لزوم حساب‌کردن با عدم قطعیت‌های بنیادی مطرح می‌شود اما اکنون می‌دانیم که عدم قطعیت واقعاً چیست. در نتیجه بخشی از کروتیک‌های بی‌سابقه‌ای که بانک‌های مرکزی در حال انجام هستند، امیدهای اندکی وجود دارد. برای مقابله با بدهی‌های انباشته شده تاریخ‌نگزنده‌هایی را یادآوری می‌کنیم از تورم (burst of inflation) یا پیش‌فرض عمومی سازمان یافته (organized public default) را پیشنهاد می‌کند که پیش‌فرض سازمان یافته عمومی اگر بر بدهی‌های دولت که توسط بانک‌های مرکزی نگهداری می‌شود تأثیرگذار، معلوم نیست که به همان حدیثی باشد که به نظر می‌رسد.

اگر واکنش مشاغل و خانوارها به بحران‌های کرونا ریسک‌پذیری و بروز به سمت ایمنی باشد، نیروهای رکود به‌وجود می‌آید و اگر پاسخ عمومی به بدهی‌های انباشته شده از بحران، ریاضت اقتصادی باشد این امر واضح‌را بدتر می‌کند پس علاقه‌ان است که خواستار یک دولت فعال‌تر و بیناتر برای روبروی برن‌رفت از بحران باشیم اما سوال این است که این دولت چه شکلی خواهد گرفت و کدام نیروهای سیاسی آن را کنترل خواهند کرد.